۱۲۶۵ [illegible] الاول [illegible]

[illegible] صفر المظفر ۱۲۶۵ [illegible]

[illegible] ۱۲۶۵ [illegible]

میرزا آقا [illegible]
[illegible] ربیع الاول ۱۲۶۳ [illegible]
[illegible]

[illegible] ربیع الاول ۱۲۶۳ [illegible]

[illegible] صفر ۱۲۶۳

[illegible] ۱۲۶۳ [illegible]

در شب یکشنبه ۱۲ شهر ربیع الثانی
این کتاب را [illegible] کرده ام
[illegible] ابتدا [illegible]
[illegible]

در غم هجران تو [illegible]

که همچون دو [illegible]

ز تنگی [illegible]

[illegible]

فهرست شد

کتابخا[redacted]ن قدس

اسم کتاب برهان جامع یا فرهنگ محمد شاهی (فارسی)

مصنف
مؤلف محمد کریم بن مهدیقلی سرابی

خطی نسخ و نستعلیق ۲۴ سطری
چاپی

سال چاپ یا تحریر .... عدد اوراق ۲۲۵

جزء کتاب لغت .... شماره ....

شماره عمومی ۱۰۵۷۲ .... شماره قبض ....

واقف خریداری آستان قدس .... تاریخ وقف مرداد ماه ۱۳۴۹

طول ۲۶ .... عرض ۱۸

کوید ایها المدعی سلمی سفاهًا لست منها ولا قلامة ظفر انما انت من سلیم کواو الحقت فی الهجاء ظلما بعمرو

ارایت نفسک شیخا فی العلوم طبّا فی فن العروض عارفا بادوار القریض فارقا بین الصحیح منها والمریض

فی المسائل العروضیة التی اسست قواعدها علی تصفح دواوین الشعر وتتبع اقوال الشعرا الی اخره

از اواخر این کلام که بسیاری را ازان ننوشتیم چنین مستفاد میشود که استاد عروضی را تتبع اقوال بلغا لازم است نه اشعاری که در حسن لفظ و معنی عاری است اما فخری جرجانی را اعتقاد انست که نیک و بد شعر دخلی بصحت و سقم وزن ندارد و شمس فخری هم درین قول متابعت او را کرده است فضولی نیز در تحفة الاحباب کوید که بسا شعر است مطلقا حسن و لطافت ندارد و بواسطه صحت وزن شاهد عروضیان است مثل ای برخ کل سوری تو زما مکن دوری . خستام ز مهجوری بستدام ز رنجوری و ظاهر است که اختلاف این اقوال با مفهوم این افادات صاحب بواسطه اختلاف سلیقه طبایع است معهذا باز رحمهم الله معشر المانعین چراکه امروز از مدعیان این فن اگر یکتن یافت شود که شعر کوید و بد کوید و کم داند و بوئی از شیخ شنیده باشد نه روی از شیخ دیده وجود کشش مغتنم باید دانست بل وجود شرش مفترض باید شمرد و اگر با انصاف بدان نظر شود قصه بسیار است طالقانی در بیان نسبت

فصل ثانی در بیان خطب که تمسک ها و باقوال فصحا و اشعار فحول شعرا در قواعد عروضی مناط است بچندین دلیل دلیل اول

انکه هرکه را درین علم افق در بیت یا او ... بالضرورة خوشه چینی از خرمن خلیل خواهد بود و محتاج دانه و خوشه را باید که برداری خرمن و توشه سبقت کیرد خلیل که خود واضع این علم است هیچ قاعده اهم از خود و کلی وضع نکرده مگر انکه از روی اقوال شاعران بوده و همه جا استشهاد باشعار انها نموده است چنانکه هرکه ... طفل ... که اول بار کتاب را کشاید و در بیده ان نظر کند از تعریف این علم که اعاظم ... راق داشته صدق این ادعا را از روی تحقیق خواهد دانست و هو هذه اقول انه

علم تعرف منه احوال الاوزان المعتبرة للشعر الجاریة علی السن الشعرا سیبویه نحوی در شرح این کلام کوید

المراد من الاحوال الامور الطاریة علی الاجزاء والارکان من الزیادة والنقص والتقدیم والتاخیر وغیرها ویخرج من قوله المعتبرة معرفة الاوزان التی لم یعتبرها العرب ولم یستعملها الشعرا کالمهملات والمتروکات ومن قوله الجاریة الاباطیل الشوقیة التی یمکن ان یکون شطرها فی بحر من البحور المعتبرة وشطرها فی بحر اخر وبعضها فی بعض من الاوزان المستعملة وبعضها من غیر وزن اصلا فانها لیست مما نحن بصدده ولا ینبغی ان یؤلف لها کتاب او تندرج تحت قاعدة او یبحث عنها فی قول کما یبحث عن اقوال الشعرا وابیات الفصحا عند تفاوت الشطرین فی الوزن او تشابه البحرین فی البیت کالزیادة فی قول الشاعر

لله در الشباب والشعر الاسود والضامرات تحت الرجال والنقصان فی قول الاخر لا وابیک ابنة العامری

لا تدعی القوم انی افر وتشابه قول الحمیری